

سوره «نصر» (۱۱۰)

ارتباط با سوره قبل

آخرین آیه سوره قریش تأکیدی داشت بر بی نتیجه و بریده بودن تلاشهای دشمنان پیامبر (ان شانشک هو الا بتر)، و سوره بعد (کافرون) یکسره اختصاص پیدا می کند به اعلام موضع صریح و قاطع پیامبر در برابر آنها. به این ترتیب در اولین سالهای بعثت، رسول اکرم مأموریت می یابد سازش ناپذیری و عدم مماشات خود را با شیوه های شرک آمیز علنی نماید و خط جداکننده ای میان تعبد توحیدی و تعبد منحرفانه بکشد.

معمولاً هر نهضتی بتدریج که پا می گیرد و به قدرت و جمعیت طرفدار آن افزوده می شود، مخالفت های خود را با نظام حاکم علنی می سازد و موضع گیری جدی و صریح می نماید. بطوریکه قبل از رسیدن به این مرحله، از هر گونه مخالفت اصولی احتراز می کند و می کوشد بطور موازی و خزنده در جهت اهداف خود حرکت نماید. اما می بینیم پیامبر اکرم در آغاز این نهضت، در شرایطی که تحت شدیدترین فشارها قرار داشت، فرمان می یابد حرف آخر خود را بزند و از اصل و ریشه با اعتقادات مشرکین مخالفت نماید. مسلماً چنین موضع گیری تحریک کننده بی جواب نبوده و تعصبات ریشه دار مشرکین را برمی انگیزخته است و برای خود پیامبر (ص) و مؤمنین همراه او نیز نوعی نگرانی و اضطراب دربارۀ آینده نهضت و موفقیت آن، با نفرت قلبی که در برابر جمع کثیر مشرکین داشتند، پیش می آمده و احتمالاً این سؤال مطرح می شده است که چگونه ممکن است این مشکلات و موانع مرتفع گردد و مردم آزادانه به دین خدا وارد شوند و کسی و چگونه نصرت الهی و پیروزی فرا می رسد...؟

قرار گرفتن سوره «نصر» به دنبال سوره «کافرون»، صرف نظر از اینکه سال نزول آنها

به گفته مفسرین فاصله‌ای طولانی دارد^۱، جواب این سؤال را (حداقل برای نسلهای بعد از پیامبر و خوانندگان قرآن) می‌دهد که اگر حق قلیل است، بدلیل اصالت و برتری ذاتی، رشد یابنده و نهایتاً پیروز می‌باشد و اگر مؤمنین بدلیل سلطه و قاهریت ظالمانه کافران در ضعف و ذلت قرار دارند، بتدریج به نیروی ایمان و عمل آنها، موانع برداشته شده و با شکسته شدن سدهای سیطره سران کفر، بندگان خدا فوج فوج داخل دین او می‌گردند.

درحالیکه دو جزء انتهائی قرآن اختصاص به سوره‌های مکی دارد و میان ۴۷ سوره آن به ندرت سوره‌ای مدنی دیده می‌شود^۲، حتماً دلیلی وجود داشته که سوره نصر (به فرض آنکه مدنی بودن آنرا قطعی بگیریم) در وسط دو سوره‌ای قرار گرفته است که بیست سال اختلاف نزول با آنها دارد.^۳ در حال از نظر خداوند که خالق نور و زمان بوده و تقدم و تأخری بر او وجود ندارند، جایگاه سوره نصر پس از سوره کافرون است و قانونمندی قطعی نصرت الهی و فتح مؤمنین را بر کافران برای همیشه تأکید می‌نماید.

فصل مشترک دیگری هم سوره نصر با سوره کافرون دارد که در موضوع «دین» می‌باشد. سوره کافرون با این آیه ختم می‌شود که: «لکم دینکم ولی دین». اما وقتی نصرت خدائی و فتح آمد و موانع ایمان برداشته و پرده‌های کفر کنار زده شد، خورشید «دین حق» می‌تابد و «دین باطل» محو می‌گردد و چنین است که:

و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجا.

شرایط فرارسیدن «نصرالله»

اولین آیه این سوره (اذا جاء نصر الله والفتح)، با ظرف شرط «اذا»، فرارسیدن نصرت الهی را مشروط به زمان و شرایط ویژه‌ای می‌نماید که باید تحقق یابد. کما آنکه هیچ پدیده‌ای تا موجبات و اسباب و علل پیدایش آن فراهم نشود پدید نمی‌آید. این حقیقت جواب کسانی است که می‌گویند برای خداوندی که قادر مطلق است چه مانعی دارد که مؤمنین را قبل از آنکه به آزار و شکنجه دچار شوند و بعضاً به شهادت برسند پیروز گرداند. در این سوره تنها به شرط «اذا» که مبهم و مجمل است اکتفا کرده، اما در سوره‌های دیگر این شرط را با شرح

۱. سوره کافرون در نخستین سالهای بعثت در مکه نازل شده است، درحالیکه سوره نصر را مفسرین عموماً مربوط به آخرین سالهای دوران مدینه می‌دانند.

۲. کتاب سیر تحول قرآن فقط دو سوره عصر و نصر، و برخی مفسرین سوره‌های: انسان، بینه، زلزله و ناس را هم مدنی گرفته‌اند.

۳. جدول شماره ۱۵ کتاب سیر تحول قرآن سوره نصر را نازل شده در سال ۹ هجرت و سوره‌های: کافرون و مسد را مربوط به سالهای ۲ و ۳ بعثت نشان می‌دهد.

و تفصیل بیشتری تبیین نموده است. ارزش دارد که با یک بررسی اجمالی ببینیم باید چه عملی انجام دهیم و چه مقدماتی را فراهم سازیم تا مشمول نصرت الهی شویم. از آن گذشته، نصرت الهی چگونه است و چه مکانیسمی دارد؟ آیا نیروهای مرموزی در جنگ مشارکت می نمایند و دشمن را سرکوب می کنند یا تجلی آنها در اراده و نفوس مجاهدان است؟ ذیلاً به اصولی در این مورد اشاره می نمائیم:

۱- متقابل بودن نصرت الهی - یاری خداوند یکطرفه و بدون مقدمه نیست، تا شایستگی و قابلیت در این زمینه ظهور نکرده باشد بروز نمی کند. قرآن نصرت خداوند به بندگان را مشروط به نصرت بندگان به خدا، می نماید و اعلام می کند:

یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ينصركم و یثبت اقدامکم^۱
و لینصرن الله من ینصره ان الله قوی عزیز^۲

۲- نصرت بندگان به خدا، یاری رسولان او و مؤمنین است - البته خداوند بی نیاز از بندگان و نیرومند و قادر و قاهر است، اما اگر از بندگان یاری می طلبد، یاری رسولان او و گروندگان به آنها است، البته خداوند خودش بر یاری رسولان خود توانا است. اما می خواهد به این وسیله بندگان خود را بیازماید و در کوره ابتلائات آنها را آبدیده کرده و استعداد و قوای درویشان را به فعلیت و ظهور و بروز برساند. خداوند یاری کردن رسولان خود را یاری خود معرفی می نماید و مؤمنین را به چنین نصرتی فرا می خواند:

یا ایها الذین آمنوا کونوا انصارا لله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله...^۳

۳- شرط نصرت الهی آماده شدن برای قتال در راه او است - یاری خداوند تنها با دعا و درخواست و توسل و تمسک تحقق نمی یابد، شرط لازم آن آماده شدن برای دفاع از رسولان و دین او و مؤمنین از طریق جهاد و قتال است، در این حالت دست خدا از آستین مردان مجاهد بیرون آمده دشمنان را مغلوب می سازد:

قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم^۴

۱. محمد (ص) ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

۲. حج (۴۰) و مسلماً خداوند کسی را که او را یاری کرده باشد یاری می کند، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است.

۳. صف ۱۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید یاران خدا باشید آنچنان که عیسی بن مریم به حواریون گفت چه کسانی یاران من بسوی خدایند؟ حواریون گفتند ما یاران خدائیم...

۴. با آنها بیکار کنید تا خدا بدست شما آنها را عذاب کند و خوار سازد و شما را بر آنها یاری بخشد.

تؤمنون بالله ورسوله وجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم... و اخری تحبونها

نصر من الله وفتح قریب^۱

۴- نصرت الهی پس از مراحل سخت و دشوار فرامی رسد - همانطور که گفته شد یاری خداوند در ظرف قابلیت ها نازل می شود و به نسبت پذیرش و ظرفیت گیرنده، میزان آن تغییر می کند. بنابراین هرچه آمادگی و استعداد و تمنا و طلب بیشتر باشد و ظرفیت قابل بالاتر رفته باشد، فاعل بهتر و بیشتر عنایت می کند و نصرت کاملتر می گردد. و از آنجائی که استعدادهای انسان در متن سختی ها به فعلیت و قیام می رسد (لقد خلقنا الانسان فی کبد - لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم) رابطه ای بین شدائد و مصیبت های وارده بر رسولان و مؤمنین و نصرت الهی برقرار می گردد، و این نهایت لطف خدا به بنده ای است که او را شایسته امتحان و ابتلاء و بالابردن کرده است.^۲

* حتی اذا استئیس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جائهم نصرنا فنجی من نشاء و لایرد^۳
بأسنا عن القوم المجرمین^۳

* و لقد کذبت رسل من قبلک فصبروا علی ما کذبوا و او ذوا حتی اتیهم نصرنا...^۴
* ... مستهم البساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین معه متی نصر الله الا ان نصر الله قریب^۵

* للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم یتغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون^۶

۱. به خدا و رسولش ایمان آورید و با مالها و جانهایتان در راه او جهاد کنید... (در اینصورت) نصرت الهی و پیروزی را که دوست دارید (بدست می آورید).

۲. البته امتحان و ابتلاء سخت است و دلشوره و بی خوابی می آورد، اما برای ارتقاء به کلاس بالاتر چاره ای جز عبور از این مرحله نیست.

۳. یوسف ۱۱۰ - (آنچنان مصیبت ها و مشکلاتی بر آنها وارد گردید) تا جائیکه رسولان نیز مأیوس گشتند و پنداشتند که به آنها دروغ گفته شده است! (در اینحالت) یاری ما بر ایشان آمد. و هر که را خواهیم نجات دهیم و خشم شدیدی ما از مجرمین بر نمی گردد.

۴. انعام ۳۴ - رسولان قبل از تو نیز تکذیب شدند، پس بر آنچه تکذیب می شدند شکیبائی کردند و آزارها تحمل کردند تا اینکه نصرت ما آمد...

۵. بقره (۲۱۴)... آنچنان دچار پریشانی و رنجوری و تزلزل شدند که حتی رسول و مؤمنین همراه او گفتند: پس یاری خدا چه وقت است؟!، همانا یاری خدا نزدیک است.

۶. (غنائم جنگی) برای نیازمندی از مهاجرین و انصار است که از دیار خود و خانه هایشان اخراج شده اند (آنها) در پی فضل خدا و رضایت او هستند و (باینوسیله) خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها همان راستگویانند (در ادعای ایمان).

۵- نصرت الهی قانونی قطعی و همیشگی است - چنین نیست که یاری خداوند استثنائی موقت در مقاطع سرنوشت ساز تاریخ و مختص به پیامبران باشد، این قاعده‌ای عمومی و شامل همه مؤمنین است. البته هرکس به نسبت ابتلاء و گرفتاری اش در صورت انطباق با شرایط نصرت یاری می شود و البته پیامبران در این زمینه گرفتارترین بندگان خدا بودند.

انا لننصر رسلا و الذین آمنوا فی الحیوه الدنیا و یوم یقوم الاشهاد^۱

... و كان حقاً علينا نصر المؤمنین^۲

بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم^۳

..والله یؤید بنصره من یشاء ان فی ذلك لعیبره لاولی الابصار^۴

من كان یظن ان لن ینصره الله فی الدنیا و الاخره...^۵

۶- چگونگی نصرت الهی - ممکن است چنین تصور شود که نصرت الهی مستقیماً و مستقلاً توسط فرشتگان او عمل می کند و بطور ناگهانی و غیر عادی صحنه جنگ به سود مؤمنین تغییر پیدا می یابد! در حالیکه این جریان بطور تدریجی و از طریق تثبیت قدم مؤمنان بعمل می آید. به عبارت دیگر با دل و جرأت و روحیه مصممی که مؤمنین در استعانت از صبر و صلوة پیدا می کنند خودشان دشمن را مغلوب می سازند و نقش فرشتگان در همان بشارت قلبی و تقویت روحی و تثبیت قدم خلاصه می گردد:

* ربنا اغفر لنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین^۱

* یاایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم^۲

* هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایماناً و لله جنود السموات و الارض و

۱. ما بدون تردید فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و روزی که گواهان بهی می شوند

نصرت می دهیم (در امتحان دنیائی و امتحان اخروی).

۲. روم (۴۷) - یاری کردن مؤمنین حقی است بر ما.

۳. روم ۵ - به یاری خدا هر که را خواهد یاری کند و او عزتمند مهربان است.

۴. آل عمران (۱۳) - ... و خداوند با نصرتش آنها را که بخواهد تأیید می کند همانا در این (مسئله) پندی است برای

صاحبان بینش.

۵. کسی که می پندارد هرگز خدا او را در دنیا و آخرت یاری نمی کند پس...

۶. بقره ۲۵۰ و آل عمران ۱۴۷ - پروردگارا، دنباله گناهان و زیاده رویهای ما را در کارمان ببخشای و گامهایمان

استوار دار و ما را بر قوم کافران نصرت بخش.

۷. محمد (۷) - ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار

می سازد.

كان الله عليماً حكيماً^۱

* بلی ان تصبروا و تتقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسویین

و ما جعله الله الا بشری لکم و لتطمئن قلوبکم به و ما النصر الا من عند الله العزيز الحکیم^۲
* اذ یوحی ربک الی الملائكة انی معکم فثبتوا الذین آمنوا - سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب...^۳

کدام نصرت و پیروزی؟

آنچه مسلم است نصرت الهی و فتح و پیروزی تنها یکبار نصیب پیامبر (ص) و پیروانش نشده است، به شهادت تاریخ مسلمانان فتوحات متعدد داشته و به شهادت قرآن، نصرت الهی به دفعات در جنگهای بدر و حنین و... بر آنها تعلق گرفته است^۴. بنا بر این سئوالی که مطرح می شود این است که آیه «اذا جاء نصر الله والفتح» اشاره به کدام نصرت و پیروزی دارد. چرا که خداوند هم صلح حدیبیه را «فتح» خوانده است (اَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مَبِینًا)^۵ - و هم پیروزی خیبر را (لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینه علیهم و انا بهم فتحاً قریباً)^۶. برآستی کدامین نصرت و فتح مورد نظر این سوره می باشد؟

باتوجه به آیه بعدی (و رأیت الناس یدخلون فی دین الله افواجاً) که داخل شدن گروه گروه مردم را در دین خدا نشانه می آورد، بنظر می رسد، همانطور که مفسرین نیز

۱. فتح (۴) او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنین نازل کرد تا ایمانی به ایمانشان بیافزایند. و برای خدا است لشکریان آسمانها و زمین و خداوند بسیار دانای حکیم است.

۲. آل عمران ۱۲۶ و ۱۲۵ - بلی اگر باینداری و پرهیز پیشه کنید و (هر چند) بر شما این چنین یورش برند، پروردگارتان شمارا به پنج هزار فرشته نشان دار یاری می کند و این (پدیده) را خداوند جز (بصورت) بشارتی برای شما قرار نداده است تا اینکه دل های یثان به آن آرام گیرد. در حالیکه یاری جز از جانب خداوند عزیز و حکیم ممکن نیست.

۳. انفال ۱۲ - هنگامیکه پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شما هستم پس کسانی را که ایمان آورده اند استوار دارید. بزودی در دل های کسانی که کافر شدند ترس می افکنم...

۴. آل عمران (۱۲۳) لقد نصرکم الله بیدر و انتم اذله... توبه (۳۵) لقد نصرکم الله فی مواطن کثیرة و یوم حنین... توبه (۴۰) الا تنصروه فقد نصره الله اذ اخرجه الذین کفروا... انفال (۶۲) هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین.

۵. فتح (۱) ما برای تو فتحی آشکار گشودیم.

۶. فتح (۸) هر آینه خداوند از مؤمنین هنگامیکه با تو در زیر درخت بیعت کردند خشنود شد پس دانست آنچه در دلشان بود پس آرامش را بر آنها نازل کرد و پیروزی نزدیکی پاداششان داد.

گفته‌اند، فتح موردنظر همان فتح مکه در سال هشتم هجری باشد که سرآغاز فتوحات دیگر گردیده و گره مشکلات و موانع ایمان آوردن توده مردم را گشود (معنای لغوی فتح). پس از گشودن حرم امن الهی و پاکسازی کعبه از بت‌ها و خلع ید از مشرکان، بتدریج باقیمانده قبائل مشرک شبه جزیره اسلام آوردند و فوج فوج داخل دین خدا گشتند. اگر فتوحات سابق به عنوان پیروزی مقطعی و محدود زمینه را فراهم می‌ساخت، این پیروزی کار را تمام کرد و تکلیف را یکسره نمود. شاید به همین دلیل در قرآن به پیروزیهای قبلی بصورت نکره (فتحاً قریباً، فتحاً مبیناً) اشاره شده و به این پیروزی بصورت معرفه و معهود با الف و لام (اذا جاء نصر الله والفتح)

استغفار رسول!

آخرین آیه این سوره فرمانی است به پیامبر که پس از فرارسیدن نصرت الهی و پیروزی، به تسبیح و استغفار بپردازد. مسئله استغفار پیامبر (ص) از آنجائی که با نظریه عصمت انبیاء تعارض پیدامی‌کند، مفسرین را ناچار به توجیه و توضیحات مختلفی کرده است که در کتابهای تفسیر وارد شده، البته تنها همین یک مورد نیست که به پیامبر چنین دستوری داده شده است، مسئله استغفار در موارد دیگری نیز که غالباً در ارتباط با نصرت و فتح می‌باشد در ارتباط با شخص رسول اکرم در قرآن مطرح شده است. از آنجائی که ما قبلاً در شرح سوره فتح به تفصیل به این مسئله پرداخته‌ایم، از توضیح مجدد در اینجا خودداری کرده و خوانندگان محقق و علاقمند را به مطالعه آن دعوت می‌کنیم.